

نوک زدن به وقت کار

سودهای کلان سرمایه‌داران از دقیقه‌های کارگران

یکی از روش‌هایی که سرمایه‌داران و صاحبان کارخانه‌ها و شرکت‌ها به کار می‌برند تا پول کمتری به کارگران بپردازند و در نتیجه سود بیشتری به جیب بزنند، «دزدی‌های کوچک از ساعت کار» است. در کارخانه‌ها و شرکت‌هایی که فیش حقوقی به کارگر ارائه می‌دهند، مشاهده می‌شود که حسابداری، مقداری کسری را در میزان کارکرد کارگران در طول ماه، با دقیقه و حتی ثانیه حساب می‌کند. این کسورات، معمولاً به زمان‌های غذاخوری، سرویس بهداشتی و حتی تأخیرهای چند دقیقه‌ای در ثبت ورود و خروج روزانه مربوط می‌شوند. این رفتار صاحب کار در نگاه کارگران به عنوان خساست و «ذهن فقیر» صاحب کار خودشان معنی می‌شود. آخر مگر می‌شود آدم به این پولداری، دقایق چند هزار تومانی هم برایش مهم باشد؟ اما این رفتار سرمایه‌داران، صرفاً از سر خسیس بودن و یا تنگ چشمی نیست. «دزدی‌های کوچک از ساعت کار کارگران»، از آغاز انقلاب صنعتی در اروپای قرن هجدهم تاکنون یکی از روش‌های مهم سرمایه‌داران برای کاستن از پرداختی‌های کارگران و افزودن بر درآمد خودشان بوده است. تا آنجا که این روش شکل و شمایلی قانونی نیز یافته است. مثلاً طبق قانون کار جمهوری اسلامی ایران، زمان صرف غذا - شام، ناهار، صبحانه و چای - جزو زمان کار نیست و به این ترتیب سرمایه‌دار حق دارد این زمان را در محاسبات مربوط به مزد حساب نکند. کارگری که توان جسمی و ذهنی خود را ۱۲ ساعت در روز در اختیار سرمایه‌دار قرار می‌دهد، به غذا و آب و نیز زمانی برای قضای حاجت نیاز دارد و قانون‌گذاری که خود مدعی است: «ساعت کار در این قانون مدت زمانی است که کارگر نیرو یا وقت خود را در اختیار کارفرما قرار می‌دهد»^۱، چنین فرض کرده که برای انجام ۱۲ ساعت کار روزانه احتیاجی به مصرف غذا و آب نیست. برای آنکه متوجه شویم همین لطف و مرحمت قانون‌گذار، چه ضرر و زیانی به کارگران می‌زند، کافی است هزینه سالانه‌ای را که سرمایه‌دار قانوناً بابت غذا خوردن (معمولاً نیم ساعت ناهار و یک ربع صبحانه که می‌شود سه چهارم ساعت) به یک نفر کارگر نمی‌پردازد، در سال ۱۴۰۴ محاسبه کنیم. تعداد روزهای تعطیل هر سال به تقریب برابر است با ۵۲ جمعه و ۲۵ روز تعطیل رسمی:

تعداد روزهای کاری در سال: $۳۶۵ - ۵۲ - ۲۵ = ۲۸۸$ روز

ربع ساعت صبحانه و نیم ساعت ناهار: ساعت $۰/۷۵ \times$

مزد ساعتی وزارت کار در سال ۱۴۰۴: تومان $۴۷/۲۶۸ \times$

مبلغی که سالانه بابت ناهار و صبحانه به یک نفر کارگر پرداخت نمی‌شود: تومان $۱۰/۲۰۹/۹۲۷ =$

^۱ ماده ۵۱ قانون کار جمهوری اسلامی. لازم به تذکر است که در قانون کار جمهوری اسلامی هیچ اشاره صریحی به اینکه زمان صرف غذا جزو زمان کار هست یا نه نشده است. همچنین مدت زمان صرف غذا نیز تعیین نشده و مسئله‌ای است که بنابه عرف کارگاه‌ها بین نیم تا یک ساعت تعیین شده است. این موضوع که زمان صرف غذا جزو زمان کار نیست، صرفاً تفسیری حقوقی از ماده ۵۱ قانون کار است.

یعنی سرمایه‌دار سالانه قریب به ده میلیون تومان معادل یک پایه حقوق ماهانه را بابت لطفی که قانون در حق وی اعمال کرده، به کارگر نمی‌پردازد. عدد بزرگی است نه؟ وقتی این عدد را در سطح طبقات جامعه حساب کنیم دود از کله‌ها بلند می‌شود: تعداد کل کارگران بیمه‌پرداز ایران چیزی حدود دوازده میلیون نفر است.^۲ این یعنی طبقه سرمایه‌دار ایران سالانه قریب به یکصد و بیست و دو هزار میلیارد تومان پول مفت را از جیب طبقه کارگر ایران می‌دزدد. برای مقایسه، هزینه‌های سازمان تأمین اجتماعی بابت جبران خدمات درمانی کارگران در سال ۱۴۰۴، ماهانه حدود ۱۲۵ هزار میلیارد تومان بوده است! این پولی بود که می‌توانست دردی از آحاد کارگران ایران بگشاید، اما به لطف قانون کار به جیب سرمایه‌داران می‌رود تا برج بسازند و خودروهای لوکس سوار شوند. صد و بیست هزار میلیارد تومان سود یک طبقه است از محل نپرداختن زمان‌های نیم ساعته غذا خوردن کارگران.

کار به همین جا ختم نمی‌شود. در برخی از کارخانجات، وقاحت سرمایه‌داران آنچنان است که کارگران را مجبور می‌کنند برای سیگار کشیدن و قضای حاجت نیز کارت بزنند و این زمان را در آخر ماه از ساعات کار کارگران کم می‌کنند. این دزدی‌های کوچک، این نوک زدن‌های سرمایه‌دار به زمان کار، صرفاً با رعایت قانون نیست که انجام می‌شود. سرمایه‌داران از ناآگاهی کارگران از قانون کار سوءاستفاده کرده و گاه لابه‌لای دزدی‌های «قانونی»، دست به دزدی‌های «غیرقانونی» نیز می‌زنند.

مطابق ماده ۵۱ قانون کار، انجام هر عملی که جزو ملزومات انجام کار باشد، جزو زمانی محسوب می‌شود که کارگر به سرمایه‌دار می‌فروشد. بنابراین در مشاغلی که انجام کار، بدون تعویض لباس ممکن نیست، زمان تعویض لباس نیز جزو زمان کار است. در کارگاهی با حدوداً سی نفر کارگر که نگارنده در آن مشغول به کار است، یک ربع ساعت در آغاز و پایان هر شیفت، مجموعاً معادل نیم ساعت، بابت زمان تعویض لباس از کارکرد کارگران کسر می‌شود. با توجه به مقتضیات شغلی این کارگاه که کارگران در آن با فلز و روغن سر و کار دارند، این عمل کارفرما کاملاً غیرقانونی است و مطابق همان قانون کار ظالمانه نیز دزدی محسوب شده و قابل پیگیری است. اما چون کارگران از قانون آگاهی ندارند و همچنین از آنجا که این نیم ساعت، در ظاهر مقداری کوچک و بی ارزش است، لب به اعتراض نمی‌گشایند. ببینیم آقای سرمایه‌دار که آدم موفقی است و ظاهراً به این چندرغاز پول‌ها احتیاجی ندارد، از محل همین مقادیر بی ارزش، سالانه چقدر پول به جیب می‌زند؟

تعداد روزهای کاری در سال: $۳۶۵ - ۵۲ - ۲۵ = ۲۸۸$ روز

دو ربع ساعت در ابتدا و انتهای هر شیفت: ساعت $۵/۰ \times$

مزد ساعتی وزارت کار در سال ۱۴۰۴: تومان $۴۷/۲۶۸ \times$

تعداد پرسنل کارگر حاضر در کارگاه: نفر کارگر $۳۰ \times$

^۲ ۱۲ میلیون کارگر تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی هستند، روزنامه ایران، ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴.

مبلغی که کارفرما سالانه بابت عدم پرداخت پول زمان تعویض لباس، صرفه جویی می کند : تومان
= ۲۰۴/۱۹۷/۷۶۰

یعنی صاحب کار ما، از محل همین دزدی غیرقانونی، دویست میلیون تومان در سال پول به جیب می زند؛ اگر دزدی قانونی وی را نیز به حساب آوریم، مجموع دزدی های آقای کارفرما از کارگران، از محل «نوک زدن به زمان کار»، معادل پانصد میلیون تومان در سال خواهد بود. این ارقام را جور دیگری نیز می توان معنا کرد: کارفرمای ما هر کارگر را $360 = 25 \times 14$ (۲۵-۵۲-۳۶۵) ساعت در سال، مجانی به کار می گیرد که به ازای روز کار ۸ ساعته، معادل ۴۵ روز در سال می شود! به عبارت دیگر مزد ۱۲ ماه هر کارگر را می دهد و ۱۳ ماه و نیم وی را به کار می گیرد. از اینجا می توان فهمید که وی به کمک همین حقه ساده و با پرداخت مزد سالانه ۳۰ کارگر، به اندازه ۳۴ کارگر نیرو و توان کاری در کارگاه خود به دست آورده است!

این حقه و کلک قدیمی سرمایه داران، اشکال متنوع و جالبی هم دارد. مکتب سرمایه داران، نکته های زیادی برای آموختن به دزدان نقاب دار دارد! همکاری که در کارخانه ای بزرگ با حدود دو هزار کارگر، کار می کند، می گوید که سرویس های شرکت بلافاصله پس از پایان شیفت (رأس ساعت ۱۹)، راه می افتند. این مسئله باعث شده تا کارگران هر روز مجبور شوند سه الی پنج دقیقه زودتر خروج خود را ثبت کنند. این زمان ها عیناً در فیش های حقوقی، از اضافه کاری کسر می شود. در اینجا هم یک حساب سرانگشتی نشان می دهد که صاحب کار این کارخانه فقط از محل کسر این اضافه کارهای دقیقه ای، چیزی معادل ۴ میلیارد تومان در سال از جیب کارگران می دزدد و به جیب خود می زند. (این کارخانه در تمام طول سال فعالیت می کند و حقوق پایه بالاتر از وزارت کار به کارگران خود می دهد.)

همان ابتدا گفتیم که این مسئله ربطی به خساست و تنگ چشمی کارفرما ندارد. اعداد و ارقامی که مشاهده کردیم بسیار بزرگتر از آن است که کاسه چشم هر سرمایه داری طاقت صرف نظر کردن از آن را داشته باشد. گفتیم که این قبیل نوک زدن ها به زمان کار از قدیم الایام و در همه جای جهان، یکی از روش های شناخته شده سرمایه داران برای افزایش درآمد خودشان بوده است. از این رو در پایان، تذکر یک کارخانه دار محترم انگلیسی را به یکی از بازرسان کار دولت بریتانیا در سال ۱۸۶۰ مرور می کنیم: «یکی از کارخانه داران محترم به من می گفت اگر شما برای من روزانه فقط ۱۰ دقیقه وقت اضافی قرار دهید، سالیانه هزار لیره استرلینگ به جیب من خواهید ریخت. ذرات زمان عوامل سود هستند».^۳

^۳ مارکس، کارل، سرمایه، ترجمه ایرج اسکندری، نشر فردوس، صفحه ۳۵۵.